

# حقیقت

شماره ۱۲۷۲ \* ۲۶ خرداد ۱۳۶۰

اطلاعیه  
درباره  
توطئه علیه  
بنی صدر

درباره  
فاجعه  
زلزله  
کرمان

۹ صفحه

## رقمائی کارگر! برای مقابله با توطئه کودتای ضد ملی و کشتار وحشیانه مردم متحد شوید و از هم اکنون اعتصابات را سازمان دهید!

بدانیدای برادران  
وخواهران کارگر، اینها کسی  
که مقدمات محاکمه و احیاناً  
ترور بنی صدر را فراهم میکنند  
از قبل توافقات خود را با  
آمریکا بر سر جگ کرده اند و  
جبهه های جنگ بزودی جای خود  
را به میزهای مذاکره و سازش با  
عراق خواهد داد و طبق توافق  
تبلی میان حزب حاکم و دولت  
خائن رجائی - نیوی -

مخالفت با استبداد و خیانت  
ملی برخاسته و اعتراض میکنند  
و فتوای او برای کشتار وحشیانه  
نه در کارخانجات، روستاها،  
بازار، مدارس، خانه های  
مردم فاصله زیادی نداشته  
است.

چون فلاحی و اکنون، زمینه سازی  
برای دستگیری و محاکمه بنی-  
صدر، کام دیگری در همین  
راه است. کام اصلی هم سرانجام  
فرا خواهد رسید و برینا مه مشخص  
کودتا یعنی برقراری حکومت  
نظامی در شهرها و کشتار جمعی  
متعهدین به انقلاب و آزادی  
و استقلال کشور آغاز خواهد شد.  
میان فتوای خمینی برای  
بیکرد و دستگیری کسی که به

توقیف روزنامه های  
مخالف دولت و تلاش گسترده  
امضاء کنندگان قرارداددهای  
سنگین الجزایر، بالیبوت،  
کروپ و غیره برای حذف رئیس  
جمهور کشور یعنی اجرای  
کام به کام یک توطئه کودتا -  
کرانه است. برکناری بنی صدر  
از فرماندهی کل موا و سپردن  
فرماندهی نیروهای مسلح کشور  
به دست شیما رهای محمدرضااهی

### رهنمودهای ۹ گانه

زیر را بخوانید  
و بکار گیرید:

ارتجاعیون  
حزب اللہی  
را به گورستان  
بفرستید! صفحه ۲۴

۷ صفحه

### اخبار چند روز اخیر

چرا مجله آمریکائی درست در جریان  
کودتای حزبی، نقشه تجزیه ایران را  
چاپ میزند؟ صفحه ۱۰

پیام به همه کمونیستهای ایران  
دست از انفعال، روشنفکری بازی و قافیه  
پردازی بکشید، بیاید متحد شویم که توفان  
بزرگی در پیش است

هوادران کمونیسم در ایران!  
ای رهبران منصف و اعصای  
با وجدان گروههای کمونیستی!  
با کمی واقع بینی و  
اندکی سم سیاسی میسوا  
در یافت که کشور وارد چاه در -  
س بحران سیاسی خود در دو  
سال و نیمه اخیر، سرار  
انقلاب بهمن، شده است.  
انقلاب ایران در سرفنا بودی  
کامل است و کشور، به صرفاً

بقیه در صفحه ۳۰

## سرمقاله ...

بقیه از صفحه اول

را هم روی کروکناهای جاسوس گذارده به آمریکا تحویل دادند و پای تمامی تعهداتی که آمریکا میخواست بی ثمرانه امضاء گذارند. اکنون در اینجا هم همین کار را خواهند کرد. هم سروته جنک را با سازش خفت باری بهم خواهند آورد و هم بخشی از خاک وطن را تسلیم دشمن تجا و زککار خواهند کرد. تاکنون هیچ خائنی چنین ضربه هولناکی را بروح و روحیه رزمندگان جبهه ها، با این تغییرناکیها نی و بدون دلیل و منطقی فرمادهی آنها، نیاورده بود و جنس خدمت بزرگی به صدام تجا و زکرن شده بود.

بدانیدای برادران و خواهران کارگر که طراحان لایحه وحشیانه قصاص، که به خاطر یک کیسه آردا نکشت قطع میکنند دست را ز برسا طوری برتند، نه تنها هم اکنون چندین قرارداد کوچک و بزرگ با انحصارات امپریالیستی، بانگها و مقاطعه کاران بین المللی در جیب دارند بلکه بزودی مستشار و کارشناس از آمریکا و روسیه و انگلستان و آلمان و ژاپن هم برای سپردن اقتصاد و ارتش و سپاه به دست آنها خواهند آورد، چنانکه شورای نگهبان استبداد حاکم ارتقا انجام چنین کاری را نپذیرد و تصویب کرده است. مکتب استبداد همان مکتب محمد زمانه است، و جمهوری اسلامی باب میلشان همان جمهوری

اسلامی ضیاء الحق فاشیست و آمریکائی است. این موجودات تشنه مال و مقام بهمان سبک و روش دربار غارتگر پهلوی از هم اکنون تمام بودجه کشور را بر اساس فروش و تحویل ذخایر نفتی کشور قرار داده و با زبهمان نیوه سابق درآمدهای ارزی کشور را در راه واردات بنجل از خارجه یعنی در راه منافع مشنی دلال انحصارگر و اربابانسان خرج میکنند.

ولی این دزدها و غامبان قدرت، این روحانیون جاه طلبی که بنام مذهب و مکتب کلاه بر سر مردم میگذارند و بنام مبارزه با غرب زدگی و شرق زدگی به غرب و شرق عشوه میفرشند و اربابان شاه معدوم مغالزه میکنند، از این هم بدترند. آنها چون قادر به حکومت و حفظ زمام امور کشور در این اوضاع بحرانی نیستند و ۱۴۰۰ سال از واقعات دنیای کنونی عقب اند، سرانجام کشور را به چنان فلاکت و درهم بانیگی خواهند گشاده که فردا هر گوشه ای از این سرزمین بلا گرفته را در دستهای مرتجع و نوکریگانه بدنشان بگیرد و به شیول خود تبدیل کند. در سایه حاکمیت این اراذل خیره سر و خودخواه و مال و منال پرست میهن از چهار سو مورد تاخت و تاز همسایگان مرتجع و اربابان خوزستان و کردستان و بلوچستان و جزایر خلیج و حتی بخشهایی از مناطق مرزهای آذربایجان و خراسان از دست خواهد رفت و فتودالها دردهات و سرما ییسه داران انحصارگر و محترک و دلال بیگانه در شهرها بر مال و جان و ناموس توده های زحمتکش کاملاً مسلط خواهند شد و ویرانی و قحطی و فلاکت اقتصاد و وکشت و گشتارهای بی منطق همه کارا فرا خواهد گرفت. کار به جایی خواهد رسید که مدعیان دروغین

جمهوری زمام همه امور کشور را با ریدگر بدست سلطنت طلبان، شاهپرستان و نظامیها خواهند داد و دوبه مدح و شنای شیان روزی آنها خواهند پرداخت. امروز آقای نبوی بست فطرت امضای خیامی، این کمپرادور بزرگ و درباری معروف، را برای بستن قرار دادهای مونتاژ با شرکتهای انگلیسی کدائی میکنند؛ و فردا همین خیامی و خیامیها و همپالکیهای شاهپرست و ارتشی آنها را به قدرت خواهد رسانند.

ای رفقای کارگر! ای کسانی که با اعتصابات سرسختانه، خویش کمرشاه خائن و رژیم منحوس او را شکستید، انقلاب ایران در شرف نابودیست، وطن در خطر است، خون شهدا را لگدمال کردند، به مردم و کشور خیانت کردند، آنها را که میگویند دعوا بر سر اسلام و کذاست دروغ میگویند، و خودشان هم میدانند که از دروغگویانند. اسلام آنها همان اسلامی است که ویلهلم چارل امپراتور آلمان و هیتلر فاشیست برای ایران و ممالک شرق تجویز میکردند؛ همان اسلامی است که شورش شناسان جاسوس امپراطوری انگلیس برای پیش کتاب و جزوه چاپ میزدند؛ همان اسلامی است که آمریکا در هیبت رژیم سرسپرده و جنایتکار ضیاء الحق در پاکستان و سوهارتوی جلاد در اندونزی پیاده کرد؛ و همان اسلامی است که ابر قدرت سفاک روس به مدح و شنای آن مشغول است و نوکران خبیثش آنرا با نظرات تبهکارانه خود یکی در یافته اند.

اسلام آنها همان اسلام شیخ فضل الله نوری مفسد و خائن است، که با دربار محمد علی شاه ولیا خوف قزاق و امپراتور سفاک روس علیه مردم ایران و انقلابیون کبیر مشروطه ساخت و در حالیکه آذربایجان زیر

مهمیز سپاهیان غارتگر ترسار روت میسوخت فتوای قتل عام آزادیخواهان و مجاهدان انقلابی را داد.

اسلام آنها همان اسلام آیت الله کاشانی آن عضو مجلس موسسان رضاخانی و مداح سلطنت پهلوی، همدست آلمانی هیتلری و بعدها آمریکای غارتگر، است که با دربار محمد رضا شاه و زاهدی کودتاجی و آیزنها و رئیس جمهور آمریکا علیه ممدق و نهضت ضدا مبریا لیستی مردم ایران ساخت و در روزهای خونین کودتای شوم ۲۸ مرداد با او باش و چاقو کشان حرفه ای خود به جان مردم افتاد.

اسلام آنها همین اسلام او باش حزب الهی یعنی مشتی هرزه گرد بی ناموس و خود فروخته در شهرهاست که با سنگ و چوب و پنجه بکس و چاقو و کلت و ژ-۳ به جان مردم افتاده، لباس دختران را پاره پاره میکنند، پستان زنهارا میبرند و حسی به کودکان خردسال چند ماهه هم رحم نمیکنند، تمامی مردمی که در تظاهراتهای حق طلبانه و اعتراضی این چند روزه شرکت داشته اند شامه دهند بر تمامی این فجایع و بی شرافتیها.

دعوی امروز جامعه مسلمانان بر سر آزادی است؛ بر سر انتخاب میان آزادی یا استبداد است، میان شرافت ملی یا خیانت ملی است، میان استقلال کشور یا نوکری ابر قدرتهاست، میان جمهوری و دشمنان جمهوری است. این دولت، این مجلس، این شورای عالی قضائی، این کمیته ها و دادگاهها و ستاد ارتشی که زیر فرماندهی جدید تشکیل شده است، همگی لانه های فساد و خیانت، کنام کودتاجیان و مراکز دشمنی با انقلاب و مردم ایران است. تمامی آنها دوستان صدام حسین فاشیست

بقیه در صفحه ۳

پیام به همه  
گمونیستها...

بنیبه از صفحه اول  
حاکم هستند و برای اعمالشان کف میزنند.

چنانچه توطئه کمران در خانات عظیم خود به انقلاب و کشور پیروز شوند، همه چیز از دست خواهد رفت. در پی آن سازش خفت با رونیگینی بر سر جنک مقاومت عادلانه ملت ما با نجا ورکاران فاشست عراقی صورت خواهد گرفت. در پی آن کشور از چهار روموردی با خب و تاز همسایگان مرتجع و اربابان - سان قرار خواهد گرفت؛ قحطی و فقر و فلاکت بر همه ما به خواهد گسترد؛ هردار و دسته مرتجعی بخشی از کشور را بدندان گرفته تیول خود خواهد کرد؛ کشتارهای غیر منطقی در همه جا براه خواهد افتاد. عاقبت آن با نابودی کشور خواهد بود و با ظهور یک رضا خان جدید.

دعوی کونی صرفا دعوی میان حزب حاکم و ریاست جمهوری، میان خمینی و بنی - صدر، میان دودسته سرمایه دار، میان دوراهی که بیک جا ختم بشود، نیست. دعوی کنونی میان انقلاب و ضدانقلاب، میان شرف ملی و خیانت ملی، میان آزادی و استبداد، و میان جمهوری و دشمنان جمهوری است. دعوی کنونی میان وطن فروشی ها، میان مشتکی باغی خیره سر، ابرقدرتها و نوکران ریز و درشتشان از بگسو و از سوی دیگر توده های عظیم ملت ایران، همه نیروهای متعهد ترقی خواه ملی و همه توده های ستمدیده است در

چنان که به سر نوشت و نتیجه انقلاب مردم ما چشم دوخته اند. وظیفه ملی و وجدان انقلابی کمونیستها حکم میکند که در سنگر دفاع از انقلاب و کشور بیلادیده، خویش بسا خیزند و مردم را در نیل به اتحاد و شکل و حرکت برای برانداختن کودتاگران حاکم و سرکسوب بدخواهان و دشمنان نقابدار ملت باری رسانند.

کمونیستها باید متحدان در همه جا بزرگ اتحاد بزرگ توده های سراسر کشور را برافرازند، آنها را به اعصاب، تظاهرات و راهپیمایی، سردادن هرگونه قرباندا اعتراض و سرانجام قیام دعوت کنند و در عین حال نشان دهند که آنها پیشقراولان و مدافعان راستین استقلال و شرف ملی مردم ایران هستند. باید ضعیف دفاع از مرز و سوم کورد را برابر تاج و کاران مزدور کنونی و آمادگی در برابر تاج و کاران ظمعی را آتی، کارحکام خیانتهکار و فاسد موجود را بکسر کرد، توده های محکمی به آنها زد و مردم را در راه برپا داشتن یک حکومت انقلابی منبسط از خودشان و منگی بر اتحاد همه طبقات و نیروهای متعهد به آزادی و استقلال کشور هدایت و حمایت کرد.

همچنین کمونیستها لازمست در این شرایط خطیرو مرحله حساس از تکامل مبارزات مردم ایران از بنی صدر بعنوان رئیس جمهور کشور در برابر سراسر دار و دسته ارتجاعی و خائنین مسلط حاکم حمایت کنند، و در همه جا نشان دهند که حامی و پناه واقعی همه شخمیتها، افراد و نیروهای هستند که با استبداد دوتز و بیروطن فروشی زمانداران مبارزه میکنند و در هر حالت در برابر خیانتهکاران سرفروزمی آورند.

باید همگان را دعوت کرد که با خواسته های تاکتیکی - انحلال دولت و مجلس و شورای عالی قضایی و کمیته ها و همه

دستگاه های تحت سلطه و حاکمیت ارتجاع، برجیدن بسط دستجات توطئه گر، مستبد و مزدور بیگانه، لغو وابطال قراردادها و تعهدات فدملی جدید، آزادی طرفداران جریانات ترقیخواه و عناصر ملی و آزادیخواه از زندانها، محاکمه و مجازات خائنان به انقلاب و کشور و مانند آنها به مسارزه سرخیزند و صفوف خود را هر چه فزوده تر و متحدتر گردانند. با بدطبقه کارگر متحد تر از هر زمان و با شاعت کامل در سبایش سا بربخشیهای مردم پابیش گذارد.

ای برادران و خواهران کمونیست! بیاید متحد شویم که توفان بزرگی در پیش است! چنانچه متحد شویم کار چندان نیسوانیم کرد بلکه سهم آن می رود که در صورت عدم تحرک، انفعال و بیاسازتکاری دیگران ما نیز نابود شویم و شکست بر همه بخشهای جنبش انقلابی و ملی جیره گردد. اما چنانچه ما متحد شویم، چنانچه نیروی عظیم و پراکنده و بعضا منفعل جنبش کارگری و کمونیستی بهم برآید، آنها یعنی حکام خائین و اوباش و جا قو کشان هواداران هیح غلطی در این کشور نسوانند کرد و مرکمان حتمی خواهد گشت. چنانچه ما از انفعال، روشنفکر سازی و قافیه پردازی های رایج دست برداریم و متحد شویم، رویز - یونیسیم فاسد، خائین و فاشیست توده ای - اکثریتی هم رسوا و نابود خواهد شد و دشمنان بسدل اربابان نشان خواهند داد.

ما با زهم تکرار میکنیم و میگوئیم که دست از ششوریه ای جعلی و منحوس فدا رکسیستی، ضد لنینیستی و ضد آموزشهای مرجعیت دوره ما یعنی مائو - تسه تونک، که مشتکی روشنفکر بیوالهوس در میان جنبش ما رواج داده اند و ما و جنبش ما را با هوسبازی های کودکا نه،

تحلیل های مجعول و ذهنی و موضعگیریهای تنکین خود بدبخت کردند، و بزرگترین خدمات را به رویونیستیم شبکارولی خدعه گرتوده ای (واکنون همخنین اکثریتی) کرده و میکنند، بردارید و استوار بر بار و رهای مسلکی و آموزشهای مراجع بنجگانه، کمونسیم با ستبد و متحد شوید. ای رفقای کارگر و روشنفکر کمونیست! تصفیه کنید صفوف خود را و در اتحاد تعجیل کنید و در این نبرد و تقابل بزرگ مرگ و زندگی متفعل نشتینید، به پریشان اندیشی میدان ندهید، براقندگی نپذیرید و مسار را در این کیر و دار تاریخی دست تنها نگذارید، که اگر بموقع و سرعت اتحاد شود پیروزی از آن ما و از آن مردم ما خواهد بود.

## سیر مقاله...

بنیبه از صفحه ۲

و مقاله های بازمانده، اسرار فراری محمد رضا شاه و ساواک و آخوندهای درباری اند. نمونه آنها بهشتی مکار است که در گذشته مواج خود را از بودجه ویژه، نخست وزیر هویدا می گرفت؛ با هنر که مشا و رفروزی با رسا سوگلی مجلس فرما پیشی شاه بود؛ خامنه ای که عکس او با هویدای معدوم در کنار سایر آخوندهای درباری توسط همه کس مشاهده شده است. وید کمانی چون رنجبر و پرورش و بشارتی و کیاوش و عسکرا ولادی ساواکی و یا قول همکاری داده به ساواک که وکلای حزب منحوس حاکم را در مجلس تحمیلی کنونی تشکیل میدهند.

ای رفقای کارگر! باید دویاره کار را از نو شروع کرد و برای نجات انقلاب و کشور، بنیبه در صفحه ۱۱

# رهنمودهای ۹ گانه زیر را بخوانید و بکارگیرید:

## ارتجاعیون حزب الهی را به گورستان بفرستید

آنان اعلام داشته اند. همینطور در تمامی موسسات خدماتی، ادارات و غیره مستخدمین و کارمندان آنها با تدبیر برای انحلال انجمنهای اسلامی و اخراج دستجات حامی اقدار و جاسوس ساز خبزنده و اغصاب کسبند.

۵- باید در کروهها و دستهها و صفوف مختلف بهر طریق ممکن ارجح آوری طومار کرفتنه تا برگزاری راه پیمایی و تظاهراتها ازین صدمه و خوارگیها نااطمینان در مقابل آنها حمایتی صورتی حزب حاکم و ادارت و دستگاهها دست به عمل برند. همه مردم اعلام می کنند که از هر اقدام هر چه بدید و ناطم بر اساس در برابر دولت، مجلس، دستگاهها و تمامی جاسوسکاران و حزب ارتجاعی رهبری کسبند. آنها حمایت خواهند کرد.

۶- دستجات حامی اقدار، ساواکی، توده های واکریبی که امروزه زیر نام حزب اللهیه احضار مردم حمله میکنند و از حزب منحوس برای برقراری حاکمیت ارتجاعی خود هستند، باید بجای خود نشانده شوند. باید در هر محله، کارخانه و با ادارات که هستیم این افراد شناخته شوند و محل زندگی و فعالیت آنها را مشخص کنیم تا در موقع خود حق آنان را کف دستشان بگذاریم. جوانان و دانش آموزان هر کجوه و محله همچون دوران پسر تگوه مبارزه بر علیه شاه خائن با یستی به شاعر نویسی و بسزورک نویسی بروی دیوارهای شهر بردارند. در انجام اینکار از شعارهای دلیل میتوان استفاده نمود:

مرکز بر استبداد در پرده دبین  
مرکز بر نوگری ابر قدرتها در پرده دبین  
حزب چماق بدستان، باید بیره کورستان

برچیده با ده سلانه، توطئه و فساد: دولت رجائی، شورای قضائی، مجلس کذا...  
بنی صدر، بنی صدر مقامت مقامت  
بنی صدر عمل کن حمایتت میکنیم  
مرکز بر بهشتی.....

۸- اخبار کلیه مبارزات و فعالیتهای مشترک علیه حزب و خیانتکاران حاکم را از طریق مختلف چون شبکه تلفنی به یکدیگر به شهرستانهای دیگر منتقل کنید. همچنین برای گسترش اخبار این مبارزات در سطح کشور خبر نوشته شده ای را بدست پخش کنندگان نشریات نیروهای انقلابی همچون نشریه "حقیقت" برسانید.

۹- نشریه "حقیقت" و دیگر نشریات انقلابی و مترقی را بهر شیوه و طریقی که میتوانید تکثیر کرده و در میان هم میهنان خود پخش کنید. اخبار و مقالات این نشریات را دست نویسی کرده و به دیگران برسانید.

رهنمودهای بعدی متعاقباً اعلام خواهد شد.

حندی است که حزب ارتجاعی حاکم در دنیا له خبانتها و وطن فروشانه و اقدامات آزادی کن خود میخواهد با یک کودتای سرانقلاب ما را بر سرده و موضعیت خود را در قدرت کامل و مستحکم کرداند. اینکار را در ورین با یوسف روریا به انقلاب اسلامی و حیدر روریا به دیکر آغارسون فعالیتهای حناق داران استن حزب ادا! مه آفتاب وینس سرود، در مقابل مردم تهران تهران با اعزامات خود و یوسف هراسی که در تهران برقرار کردند. ما ن دادند که خارج از محلی سلطه، ساداسی بر محسن سوسی با سبند.

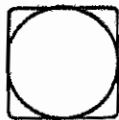
امروزه بر هر ایرانی آراد سخواه و علاقه مند است. سبند است. میهن است که در مقابل این سحر ماب سرحا سده و هر یک در هر حالتی که هستیم میهنی حنا سده و سبند در مقابل این سارمانده می کنیم. در سبند سالی سنا و متعالیهای بر سالی در سبند کار ترار کسبند:

۱- نویسندگان آرا ده میهن با یستی فعالیت در مقابل سبند سوسی مطبوعات اعتراض کنید. آنها با بدهر کونه همکاری با مطبوعات "فانوسی" و وابسته به دستگاهها محکوم کرده و از طریق همکاری با مطبوعات غیر فاسبی انقلابی و مترقی، انتشار مطالب افشاگرانه، سرباط محفی و سبنا مه ها به سالی آکساره کراسه جوسی در حا مع ما در بر و رر سبند.

۲- در سرباط کنوسی لار سبند کلسه روزنامه ها و محملات وابسته به ارتجاع بجرم سود، برای مطلع شدن از اخبار مبارزات مختلف و اطلاع جاری در حا مع همچون دوران شاه با یستی بر داند و سبنا مطبوعات غیر فاسبی، اطلاعیه ها و سبنا مه ها افزود و از جمله با کمک به نشریات نیروهای متعهد انقلابی و ملی امکان انتقال و بخش اخبار را توسعه داد. بدین سان بحریم همکاری روزنامه های از قماش "جمهوری اسلامی" "اطلاعات" و "کنهان" و "مردم" و دیکر ورق باره های ارتجاعی با موفقیت کامل توام خواهد کسبند.

۳- در اعراض به توطئه ها و اقدامات ضد انقلابی دولت و حزب ارتجاعی حاکم بر صمد و سبنا میجوس آنها با یستی تحریم کردد. را دیوها و تلویزیون ها را در ساعات پخش اخبار موش کنید.

۴- حزب ارتکانهای سرکوب خود را مدتهاست که در کلیه واحدهای تولیدی و خدماتی و ادارات بوجود آورده و هیچیک از هم میهنان ما نیستند که بطریقی کزندان ارتجاعیون به آنها نرسیده باشند. امروز در جریان مبارزه عظیم مردم ایران علیه سلطه حزب و ارتجاع حاکم، وقت آنست که کارگران غیر متمسند و مبارز ایران در ادامه مبارزات گوناگونی که تا حال علیه استن مرتجعین داشته اند برای بیرون ریختن چماق داران حزبی از کار خانات برخیزند. کارگران کار خانات با تدبیر برای برچیدن انجمنهای اسلامی دست به اغصاب بزنند. هم اکنون نفتگران دلیر لایسکا هتیرا برای انحلال انجمن اسلامی در اغتصاب بر میبرند و نفتگران بالایشکا هتیرا نیز حمایت خویش را از



# کارنامه مجلس شورای

## اسلامی (۲)

### کاردوم مجلس

متوجه شدید چه "مشکل" بزرگی است. این آئین نامه در برخی موارد، نکاتی نهفته است که به "بعضی" ها امکان "صحبت کردن" غیرلازم را میدهد، و اتفاقاً این "بعضی" ها همان کسانی هستند که پیشنها داشتند "رای کمی" هم میآورد. اگر اعضاء این معما را سرهم کنیم، متوجه می شویم که منظور رئیس مجلس از "سما بندگان"، "گروه اقلیت" مجلس است. همان بعداً معدودی که گاهی اوقات فغانشان از بی عدالتی ها و خیانتها بلند می شود و فریاد می کنند. جناب رفستجانی میخواهد این "مشکل" را هم حل کنند! و بنا بر این خودشما وارد ماجرا شده اند و فعلاً نه در راه رفع این مشکل میگویند:

"..... من خودم در کمیسیون آئین نامه کار می کنم. هفت تا نه ساعت در آنجا کار میکنیم..... این آئین نامه ها حدود یک تا دو بیا سه ماه دیگر آماده میشوند."

انشاء الله تا "یک" یا "دو" یا "سه" ماه دیگر مشکل "اکثریت" مجلس حل خواهد شد و دیگر جناب رفستجانی را "گه رئیس مجلس هستند مجبور" نمیکنند "به بحثهای غیرلازم" که "رای کمی هم می آورند" توجه چندانی نکنند. این را میگویند استبداد قانونی حتی در درون مجلس شورای اسلامی! بکمال پیش عقلتان نرسید بکنند، تا "یک" یا "دو" یا "سه" ماه دیگر انجام میدهند. لابد حالا متوجه شدید که چرا "تاریخ" نویس ما سه این اقدام "مثبت" را بدین پرداخت، چون اولاً جناب ایشان نمی خواستند به گذشته های خیلی خیلی دور! یعنی آئین نامه های مربوط به دوران "سحمر فاخان" بگردند، و ثانیاً ایشان "تاریخ" نویس اند و نمیخواهند به آینده های خیلی خیلی نزدیک دوسه ماه آینده بپردازند.

ولی قبل از آنکه از این مبحث بگذریم باید "آن" اقدام "مهم" دیگری یعنی "تعیین نام مجلس" را هم به اطلاع ملت برسانیم. در قانون اساسی مجلس خبرگان که خود این آقایان تصویب کردند، نام مجلس عبارت بود از "مجلس شورای ملی". ولی "اکثریت" حزبی که از هر چه ملی است بدش میآید، و اصلاً بوسی از ملت نبرده است این نام زیاد به مذاقش سازگار نبود، و بنا بر این طی یک اقدام "مثبت" دیگر، نام مجلس را به "مجلس ششورای اسلامی" عوض کردند. و اتفاقاً چه کار خوبی کردند، چون ما هر چه در مصوبات مجلس نگاه کردیم اثری از مبارزه، ملی و فدا مپریا - لیستی از آن نیاقتیم. میتوان گفت که شاید تنها اقدام واقعا مثبت شان همین بوده است. [ظریفی میگوید که شنیده است، نمی خواهند تجارت را "ملی" کنند، میخواهند اسلامی اش کنند، نمی خواهند اموال امپریالیستها و وابستگان را "ملی" کنند، میخواهند اسلامی شان کنند و..... برای خاطر همین هم "اسلام پناه" تازگی ها زیاد شده و کار سازمان اقتصاد اسلامی "رونق" بقیه در صفحه ۶

کار "تاریخی" و "سبب" دیگری که مجلس شورای اسلامی پس از "تولد" خود انجام داد عبارت بود از تصویب "قانون آئین نامه" داخلی. "ویژه نامه" که این "مهمترین" مصوبات مجلس شورای اسلامی میگذارد:

"مهمترین مصوبات مجلس شورای اسلامی عبارتند از: قانون آئین نامه داخلی، قانون تعیین نام مجلس و....."

"آئین نامه داخلی" که جزو "مهمترین" به حساب آورده شده است، عبارتست از یک رساله مفرات و ضوابطی برای پیش بردن ساجد، چگونگی رفتار ساجدگان و آرائی قبیل امور. جناب اچاره دهید ما آرائی یکی از "خبرگان" در این "مهم" "ماهیت" و محتوای این مصوبه "مهم" مجلس شورای اسلامی را برای بنیان بار خود کنیم: این "جزوه" کسی جز تحت الاسلام هاشمی رفستجانی رئیس این مجلس کذایی نیست. (سجاره ویژه نامه نویس ها آمدند عجله داشتند کار "ویژه" ای انجام دهند که هر دو این مطالب را در یک "ویژه نامه" جا دادند):

"این آئین نامه ای که الان ما داریم بر اساس آن کار میکنیم تقریباً همان چیزی است که برای مجلس فرما بیی نوشته شده است!!"

سا برای این اعتراف معصومانه، یکی از "مهمترین" "!!" مصوبات مجلس "تقریباً" عبارتست از یکی زدن همان اراحتی که در دوران محمد رضا سا در مجلس اجرا میگردید. جدا این نمایندگان "ام و امام" رحمتهای زیادی بخود هموار کرده اند! باید از "اکثریت" خط امامی مجلس که خیلی "نه غربی" هستند پرسید شما چه می کردید؟ ما سافانه "تاریخ" نویس ما در مورد این کار "سبب" و "تاریخی" اظهار نظری نکرده است و رازهای نهفته در این عمل "انقلابی" را بر ما مکتوف نساخته است و ما ملت برای دوران "طولانی"!! در حکم این "کار" خواهیم ماند!

ولی گویا حتی این یکی از "مهمترین" ها هم "شورای" "اکثریت" مستبد جنگ انداخته بر مجلس در سراپا دکرده است و تصمیم دارند که با تعویض آن یک اقدام "مثبت" دیگر در صفحات درخشان "تاریخ" ثبت کنند. جناب رفستجانی یکی از ۳ مشکل مجلس را همین آئین نامه داخلی میدانند:

"..... سوم همین آئین نامه است که مرا که رئیس مجلس هستم مجبور میکنند که به بحثهای غیرلازم در مجلس تن بدهم. چون نمایندگان بر اساس آئین نامه بخود حق میدهند که صحبت کنند. (جناب آنقدر "آزاد" بخواه "تشریف" دارند که حتی حق صحبت برای "نمایندگان" ملت نیز برایشان کران می آید) خیلی از پیشنها دات مدتها وقت مجلس را می کیرد و رای کمی هم میآورد....."

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۵

گرفته است. البته اسامی مرکبیا "تاسعه" ای بیش نیست. و "تاسعه" در ایران بریده خواهد بود. رمان سرحسان [۱] بگذریم و به کار خود ادامه دهیم. کارنامه مجلس شورای اسلامی را ورق بزنیم!

مجلس، ابزار تحکیم قدرت در دست حزب

اظهارنامه‌دانی روزنامه جمهوری اسلامی که فردای انتخابیات مجلس اعلام پیروزی "خط امام" را کرده بود، البته بهیچ وجه بیخود نبود. در یکساله گذشته حزب جمهوری و "اکثریت" و اساسه‌بدان موضح سان دادند که از مجلس به ما هر آنه‌ترین سکتی بمقا بله‌یکی ارا برارهای موثر تحکیم قدرت خویش، قبضه کردن و به انحمارد آوردن شؤون اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی استفاده کرده‌اند. حزب جمهوری ابزاری از قدرت سیاسی را سه‌گذا کرده بود که سربس وصله، ناجسی بنام "مجلس شورای" "نما سندان" ملت نفس بسته بود، ابزاری از قدرت سیاسی را در چنگ خود داشت که با اصطلاح - فقط با اصطلاح - "مظهر" اراده، ملت بود، ابزاری از قدرت سیاسی را در چنگ خود داشت که "امام" "تان بدان خیلی" علاقه‌مند بود، و بنا بر این بوقیچاله‌ترین و قلدرم‌تشان‌ترین شیوه از آن سودجسته‌اند و سودهم خوا همدجست - تا موقعیکه ملت تکلیف خود را با این حزب و این اسباب و ابزار روشن نماند.

اولین کشمکش بزرگ بر سر قدرت و با شرکت مجلس بین جناحهای در قدرت، یعنی حزب جمهوری - نما سندی از سوز و دلالتهای مرتجع و رجسی که محو اسبده همه حسرا سبکنا ره ببلعد اریکسو، و سی صدر رئیس جمهوری از سوی دیگر سران انتخاب نخست وزیر بروز کرد.

برای حزب جمهوری، یک نخست وزیر حزبی بمعنای چنگ انداختن بر بخش وسیع سرور مینه‌های همه‌جا نه‌تری از قدرت سیاسی بود: عبارت بود از کنترل سیاست خارجی، عبارت بود از کنترل وزارت نفت - این کنجینه‌گرا نیها!! عبارت بود از کنترل بازرگانی خارجی این کعبه، آمال دلان تا جریبیشه؛ عبارت بود از کنترل وزارت ارشاد، این بنکاه تبلیغاتی...؛ یک نخست وزیر حزبی عبارت بود از چنگ انداختن بر قوه مجریه مملکت و دستگاه عریمر و طویل و جنبه‌های مهمی از شؤونات جامعه که در کنترل این قوه بود. بنا بر این روشن بود که تاپای جان!! برای به‌حنگ آوردن این مقام و موقعیت ایستادگی خواهد کرد. کنترل مجلس برای تحقق این امر حیاتی بود. آخر مجلس باید به نخست وزیر پای "اعتماد" میداد.

البته طبق "قانون اساسی" "تان قرار بر اینست که رئیس جمهور، نخست وزیر را نامزد میکند و سپس مجلس در مورد "اعتماد" یا "عدم اعتماد" به‌وی اظهار نظر میکند. بنی مدریس از انتخابات مجلس و پس از آنکه هی از پیروزی رقیب، و پس از آن

که آن هیات هفت نفره بررسی اسباب کار از بیس نبرد، برای آنکه ما جزا زود می‌لده بدهد، در بی انتخاب نخست وزیر افتاد - فصل از آنکه مجلس، "رسمیت قانونی" پیدا بد. روزنامه انقلاب اسلامی - ناسرافکار رئیس جمهور - در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ حسن نوب: "نخست وزیر باید بر تاسه‌های که رئیس جمهور در جریان انتخابات ریاست جمهور، اعلام کرد و مردم با رای خود آن بر تاسه‌ها انتخاب کردند، همساز بوده و آما دکی اجرای آن بر تاسه‌ها داشته باشد"

ولی رقیب تاسه‌ها از میدان بدرستی رفت و نرفت روزنامه، انقلاب اسلامی همان فردا بنی جواب را گرفت. مجلس هنوز رسمیت نیافته "قدرت" گرفته بود:

"طبق قانون این حق برای مجلس محفوظ است که به کسی که شورای انقلاب و رئیس جمهور انتخاب کرده‌اند است رای تمایل بدهد یا ندهد. تلاش ما هم برای این است که شورای انقلاب و رئیس جمهور به تفاهم برسند، البته تفاهم و نه مصالحه."

هاشمی رفته‌جانی (با مداد - ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹)

البته جناب آقای بهشتی، از این هم رک تر تشریف داشتند و غلنا - همانموقع - اظهار داشتند که حاضر به هیچ‌گونه "مصلحه" ای با رئیس جمهور بر سر انتخاب نخست وزیر نیستند. حزب جمهوری "آدم" خودش را در این مقام میخواست. نه کم‌تر و نه کم‌تر!!

این کشمکش از اردیبهشت ماه شروع شد و تا مرداد ماه یافت. در این دوران فرازونسیبهای بسیاری روی داد. اساسی بسیاری از طرفین برای احراز این مقام حدس زده میشد، روزنامه‌ها هر روز عکس چند نفر را بعنوان نخست وزیران احتمالی چاپ میزدند. بعضی روزنامه‌ها هم که از کمی خواننده رنج میبردند!!، تا هی اوقات برای بالابردن شیراز، و جنال آمیز، تیتیر میزدند که "نخست وزیر انتخاب شد و یا نشد!!" در این دوران هیاتهای گوناگون تشکیل میشدند تا نه‌نفری بررسی تا مزدهای نخست وزیر و غیره و ذالک. با اخره خمینی "با درمیانی" میکند و طی گفتگویی در او خرتیر ماه ما تورا بمالی قضایی "مشار" های نخست وزیر در اعلام مینما شد:

"حالما با بداین مطلب را به مجلس شورا اعطالام میکنیم که با بیدیک دولت متدین، صدر صدام اسلامی و قاطع" انتخاب کنند.

از فردای آنروز صدور قطعنامه‌های انجمنهای اسلامی و "نهادهای انقلابی" برای یافتن "مکتبی" و "جوان" و "قاطع" آغاز گشت. تا بالاخره این "گوهر تاناک"!! در وجود آقای محمد علی رجایی تجلی یافت و ایشان علیرغم عدم تاثیر در سیاست جمهوری - برخلاف "قانون اساسی" "شان البته - در مرداد ماه ۱۳۵۹ با ۱۵۳ رای به تصویب مجلس رسید! بدین ترتیب ملت ایران صاحب نخست وزیر گردید که هم "مقلدا مام" بود، هم "فرزند مجلس" بود و هم "برادر رئیس جمهور"!! ولی البته از آن نوع برادرانی که "میگویند" "ها بیل و قابیل هم بودند!"

بنی صدر شکست خورده در این کشمکش - اعلام مینماید: "رجایی را مجلس به من تحمیل کرده است و من مسئولیت او را نخواهم پذیرفت."

و آن حزبین به جوابگویی بر میخیزند و البته با قیافه‌ای حق بجانب و معصومانه میگویند: با این حساب "از هم اکنون ما محکوم هستیم و در آینده ایشان

# اخبار مبارزات مردم و جنايات حزب چماق بدستان

کردند. جالب این بود که در همین لحظات اکثریتی ها در همان محل اعلامیه خوانده خود را بخش میکردند و تنها مورد حمله قرار نمی گرفتند بلکه مورد بیستانی غلنی پاسداران کمینده هم نبودند.

۳ روزشنبه ۲۳ خرداد در خیابان نواب مغوی یک جوان را عناصراستبدادبا کلوله زده و او را مجروح ساخته و سپس دستگیر کردند و بدینگونه با دور عملیات وحشیانه ساواکی ها و کمینده های اقدام و انتقام حزب رستاخیز شدند!

۴ در تاریخ ۶۵/۳/۱۸ ساعت ۷ بعد از ظهر یکی از افسران حزب ارتجاعی حاکم تحت الاسلام معادبخواه، شهسوارکان شهری ( شهسوارکان از جمله شهسوارکان است که در زمان شاه معدوم در اطراف حرم شاه عبدالعظیم ساخته شده. این شهسوارکان بین خیابان فدائیان اسلام و جاده یادآوران است) برای سخنرانی می رود. طی تبلیغات حدود ۱۵ الی ۱۵ نفر در مدرسه بازرگان جمع میشوند تا ایشان سخنرانی کنند. این فرد حدود یک ساعت به تعریف از صدر اسلام معادبخواه می پردازد که حوصله جوانها سر می رود و یکی از آنها میگوید ما آب نداریم و اگر راست میگوئی برای ما آب لوله کشی مرتب تهیه کن و این حرفها قلابی است که جریان همگانی میشود. هر چه دعوا بالا میگیرد تعداد شنوندگان بیشتر میشود (حدود ۲۰۰ نفر) تا به ابتکاری از کارگران حاضر در محل بحث مبارزه با حزب و طرفداری از بنی صدر پیش کشیده میشود و جمع شروع به دادن شعار مرگ بر بهشتی و درود بر بنی صدر و مرگ بر حزب میکنند. معادبخواه از پاسبان موجود در محل کمک میخواهد که طبق معمول پاسبان نیز ضدا و بوده و حرکت نمیکند و افراد محل میکروفون را میکشند که همراهان معادبخواه برق را قطع میکنند و همه جا تاریک میشود. بهر حال تعدادی از میز و صندلی ها شکسته میشود و پاسداران وی وارد عمل میشوند و با شلیک چند کلوله معادبخواه را از دست مردم نجسات میدهند.

۵ در تاریخ ۶۵/۳/۱۸ تا پاسی از شب شهری شاه مبارزه ای بی امان علیه حزب منحوس و ارتجاع خیانتکار حاکم بوده است. کارگران شبکار می گفتند تا ساعت ۹/۳۰ شب که به کامیاب شدند هنوز کشمکش و درگیری و تیراندازی وجود دارد.

۶ چندی قبل عده ای پاسدار با یک مینی بوس به محله رهبر در خاک سفید آمده و یک خانه را خراب کردند. زنان محله مقاومت قهرمانانه ای از خود نشان داده و عمل فدائیانقلابی آنها را محکوم کردند و دست به افشاگری زدند. پاسداران تلاش میکردند با سخنرانی از بلندگو عمل سنگین خود را توجیه کنند. اما یکی از زنان بلندگو را از دست آنها گرفته و شروع به افشای آنها کرد. پاسداران او را گرفته و مذبذب ساختند. جریان بدین شکل پایان گرفت.

۷ هفته قبل یک ماشین اداره برق در خاک سفید مشغول قطع کابل های برق منطقه ( که توسط خود مردم کشیده شده ) بوده است. یکی از بچه های محل که در همانجا دکه دارد، متوجه آنها میشود و فوراً همراه آنها خبر میکند. بقیه در صفحه ۸

۸ روز چهارشنبه ۲۵ خرداد در خیابان فردوسی در مقابل محل سابق جمهوری اسلامی کمینده های دختر جوانی را که اسب داریان خیابان بسراافشا می کردند مورد حمله قرار دادند و او را با کوسدن ز - ۳ بر صورتش مذبذب نمودند. در این میان جوانی بنام حسین میرزایی از میان مردم به این عمل و فحاشیه اعتراض میکند. کمینده های پاسداران استبداد دکه از اعتراض مردم به وحشت افناده بودند با کلب مغز او را پریشان میکنند. اس پاسداران مربوط به کمینده منطقه ۹ بوده و از یک بنز زرد بدون شماره پیاپی ده و اسب جنایب هولناک را مرتکب میشوند.

۹ جنازه که مدت ۴۵ دقیقه در میان مردم بود. پنج ناسنج هزار نفر از خیابان سرکرد محیی تا میدان خمینی جمع شده بود و با شعارهای مرگ بر بهشتی و حزب حما فیدستان یا بدیره کسور - سنان و مرگ بر رجایی و درود بر بنی صدر نفرت خود را از رجاعیون مستبد و وطن فروش ابرار میکردند.

۱۰ بالاخره بعد از سه روزه کمینده های هیک نسیان براز حسرتب اللهی ها آمدند. چهار رنج آمولانس هم آمدند و بالاخره ما منع آب و ماسن های آس نشانی خون بر زمین ریخته شهسوارکان را نسند. به این گمان که گویا میتوانستند تک استبداد را از وحدان سدار مردم آرا دیخواه پنهان دارند.

۱۱ کمینده های مسند ما سن های شخصی و لباس شخصی اما مسلحه انواع سلاح های کرم به محل آمدند و خیابان را ما سند ساواکی ها تری کردند. اس پاسداران اسب داریا ما سن های سر شماره: تهران ۵ - ۲۲۸۳۶  
سر شماره: تهران ۲۲ - ۸۸۱۷۹  
سر شماره: تهران م - ۹۴۸۱۳  
سر شماره: تهران الف - ۲۶۱۱۸  
سر شماره: تهران ۲۲ - ۴۷۵۶۴  
زوی سرکا هوسی شماره: ۵۶۱۸۵  
در محل حاضر شده بودند و مبارزین را دستگیر میکردند.

۱۲ سجنشنبه شب ۲۱ خرداد گروه جوانان موجود و دیگر جوانان محل در خیابان خرمسهر سب دخانیات نظا هراتی بر علیه حزب جما فیدستان جمهوری سلامی ترکزرا کردند. عوامل کمینده که از ستاد مرکزی فرمان شلیک دریافت نموده بودند، مردم را به کلوله بستند و یک نفر کشته و دوشن زخمی شدند. هنگام حمله عناصر کمینده ای به مردم تلفن های خیابان خرمسهر قطع بود تا خبر جنایت بکوش مردم نرسد.

۱۳ سجنشنبه شب ۲۱ خرداد دتظا هرات فدحزبی در میدان فردوسی حربان داسب و مردم به یک سز که عناصر کمینده ای در آن بودند حمله کردند و به آن سگ زدند. پاسداران کمینده از تروی ما سن با کلوله ۶ نفر را بقتل رساندند.

۱۴ روز جمعه ۲۲ خرداد ساعت ۵ بعد از ظهر دختر جوانی را در خیابان فاطمی تقاطع خیابان کارگر به شنیع ترین وضعی مورد حمله قرار دادند. جوانی که به اعتراض به این عمل برخاسته بود توسط پاسداران مورد ضرب و شتم قرار گرفت و با ز - ۳ بر صورت او کوفتند و نمايش دیگری از اعمال محمدرضا شاه و اراا اجسرا

# گزارشی از بزرگترین تظاهرات ضد حزبی همدان

در تاریخ ۶۰/۳/۱۱ (دوشنبه) احمدسلامتیان نماینده مردم اصفهان در مجلس برای کشایش دفترها هنکی به همدان آمده بود. در جریان سخنرانی طبق معمول مغولهای جماعتدار حزبی به مردم و سخنران حمله کردند. در این حمله تعدادی زن و بچه و مرد و خود سخنران زخمی شدند. ما مورین شهرانی بدون سلاح در سخنرانی برای حفظ نظم حضور داشتند. در جریان حمله جماعتداران مسلح (کار، قه، سنگ، تخم مرغ، نیزه) به سخنران، ما موران به مقابلیه با جماعتداران پرداختیم که در نتیجه تعدادی از ما موران سهرسانی زخمی شدند. فردای آروز یعنی در تاریخ ۶۰/۳/۱۲ (سهشنبه) مردم در ساعت ۵ بعد از ظهر با در دست داشتن عکس بنی صدر و پرچم سرنک با آرم جمهوری شروع به راهپیمائی و شعار دادن کردند. بعد از حدود یک ساعت تعداد جمعیت به ده هزار نفر رسید. حدود ساعت ۶/۳۰ دقیقه جماعتداران که تعدادشان حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر بود، به راهپیمائی حمله کردند؛ اما چون توان مقابلیه با مردم خشمگین را نداشتند پا به فرار گذاشتند و جمعیت با شعار "جماعتداری بیچاره، پا به فرار میزازه" به راه خود ادامه داد. جماعتداران بعد از جمع کردن تعدادی دیگر از یاران حزبی و غیر حزبی خود برای زور آزمایی مجدد با مردم وارد میدان شدند و دو خورد تا ساعت ۹ شب (تاریک شدن هوا) ادامه یافت. درگیری در این راهپیمایی بیشتر شکل پرتاب سنگ را داشت.

شعارهای مردم عبارت بودند از: "حزب جماعت بدستان، باید بیره گورستان"، "دروذ بر بنی صدر"، "مرک بر بهشتی"، "رجایی، رجایی عامل ارتجاعی"، "دفترها هنکی ایجاد باید کرد"، "مرک بر رجایی"، "بنی صدر، بنی صدر مقاومت بقاومت"، "بنی صدر، بنی صدر خدا نکهدارتو، بمیرد، بمیرد، دشمن خونخوار تو"، "بنی صدر، بنی صدر حمایتت می کنیم". شعارهای جماعتداران: "خدا پا خدا یا تا انقلاب مهدی خمینی را نکهدار"، "حزب الله، پیشمرک روح الله"، "تا مرک شاه دوم نهضت ادامه دارد"، "مرک بر بنی صدر"، "دروذ بر رجایی"، "دروذ بر بهشتی".

روز بعد یعنی (چهارشنبه) نیز مردم در میدان خمینی این شهر از ساعت ۵ کرده بودند تا خشم و نفرت خود را از جناح است ها و وطن فروشیهای این حزب پلید نشان دهند. در ساعت ۶/۳۰ دقیقه جمعیت شروع به راهپیمائی کرد. تعداد جمعیت به اندازه روز قبل بود و همچنان عکسهای بنی صدر و پرچم سرنک در دست داشتند. اما امروز جماعتداران خبری نبود. آنها در گوشه‌ای خزیده و جرئت مقابلیه با مردم را نداشتند. جمعیت در حین راهپیمائی به جلوی دفتر حزب جمهوری رفته و خشم و نفرت خود را با شعار "حزب جماعت بدستان، باید بیره گورستان" اعلام کردند. در جریان راهپیمائی دهکدهای کتابفروشی جماعتداران را (البته بسته بودند) داغان کردند. تظاهرات در ساعت ۹/۵ شب به پایان رسید.

شعارهای مردم عبارت بود از: "حزب جماعت بدستان، باید بیره گورستان"، "مرک بر بهشتی"، "رجایی، رجایی عامل

ارتجاعی"، "ملت پیرو زاست، حزب جماعت نابود است"، "رجایی بسواد ملت تو را نمی خواد"، "بنی صدر، بنی صدر مقاومت مقاومت"، "ملت ما بیدار است، از حزبیان بیدار است"، "سپهالازایرانی بنی صدر"، "دروذ بر بنی صدر".

## توطئه عزل رئیس جمهور توسط مجلس کذائی! مردم برخیزید و این مجلس را بر سر نمایندگان حزبی اش خراب کنید!

مجلس کذایی حزبی، مذاکرات خود را برای تکمیل کردن توطئه کودتای ننکین حزبی آغاز کرده است. و با صلاح میخواد رئیس جمهور، آقای دکتر بنی صدر را عزل کرده و وی را به محاکمه بکشد. ما به همراه همه مردم ایران که از استبداد و وطنفروشی حزب جمهوری اطلاع می، وهمه دم و دستکاش، از دولت خائن رجایی تا شورای نگهبان تا مجلس کذایی تا شورا عالی بهشتی به تنگ آمده اند، این اقدام کودتاسا کرانه را محکوم کرده و اعلام

اخبار مبارزات مردم... مردم به طرف آنها هجوم برده و آنها را محاصره کردند. هر کسی چیزی میگفت، یکی میگفت "اینها را باید بکشیم" و دیگری می گفت "اینقدر میزنیم تا دیگر اینطرفها پیدا نشود" یکی هم میگفت که "اینها مقصراصلی نیستند اینها همه اش تقصیر دولت است" و....

برقیها که وضع را اینطور می دیدند میگفتند میخوایم برق دولتی رسمی به شما بدهیم؛ این رسمی نیست. در این بین یکی از معتمدین محل که یک حاجی است به دفاع از برقیها بلند میشود و میگوید: "کاری به اینها نداشته باشید اینها ما مور و متعذور هستند" مردم جلوی اومی ایستند و برقیها میروند.

روز پنجشنبه ۲۱ خرداد ماه ساعت ۶ بعد از ظهر در مقابل فروشگاه قدس یا لائرازمیدان ولی عصر تظاهراتی بر علیه جماعتداران حزبی با شعار دفاع از بنی صدر برگزار شد. نیروهای طرفدار آزادی ابتدا بر علیه جماعتداران استبداد حمله کرده و با سنگ و چوب آنها را فراری دادند. آنها هر یک بطرفی میکریختند. ده دقیقه بعد جماعتداران و اوپاش سازمان یافته با روبرو متور و وانت به محل سرازیر شدند و با کابل وزن جیروچا قوبه مردم حمله کردند. با ساران این نیروها را همراهی میکردند و کمیته‌چیها در ماشین چپ رهبری عملیات را برعهده داشتند. جماعتداران به درون مغازه‌ها ریختند و بفرج قوم مردم را که بطرفداری از رئیس بقیه در صفحه ۹



کارنامه ...

بقیه از صفحه ۶

همه مسئولیتها و کمبودها را به گردن مجلس خواهند گذاشت (روزنامه، جمهوری اسلامی) ۲۵ مرداد ۱۳۵۹ - از زبان علم الهدای - (سامنده، حری)

البته ما کعبه بخدا ریم که مجلس برای اینکه ملت بهیچ وجه از این "ماجرا بوی نبرد، بمدت سه روز تمام حالت فسوق - العاده!!" اعلام کرده بود در پست درهای بسته و در جلسات مخفی به این "مقام بازی" مشغول بودند. ولی بالاخره از حق هم بگذریم، مجلس که نمی تواند سیرجی را سر از مملکتی راکه میسواد بفتح "دسم" نام سود، همبظوری علمی و آشکار به بحث و فحص بگذارد!!

بسی صدها مجموع در روزنامه انقلاب اسلامی نوشت: "اکرم سنایم بردعوا و این حرفها بود خیالی راه خوبی دانستم. هم با حزب میتوانستم دعوا راه بیندازم و هم با مجلس. آنهم این جور بود: شروع میکردم یک به یک نخست وزیر معین کردن و آنها هم رد میکردند. در سنه؟ دبکریش از این که نمید. چند نفر را رد میکردند؟ ما شاء الله ۳۶ میلیون جمعیت داره ایران "لاکن" من بنا - یم بضعف مجلس نیست و "این است که این کار را نکردم و به صلاح کشور و به صلاح انقلاب نیافتم" (یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۵۹)

بعضی ها مسایل را دیر میفهمند. بنا با حزب جمهوری و داد رودسته، خبیث رهبری کنند هاش دارودسته ای که استقلال و آزادی ایران را به حراج و تاراج گذارده اند، بردعوا هست و باید باشد. ملت ایران با حزب و این مجلس حزبی و هرکاری که کرده است دعوا دارد، و موقع دعوا با مدحکم سرحای خود با بستن و این کار فقط به صلاح کشور و به صلاح انقلاب است. اگر ملت آن موقع دعوا میکرد دیگر امروز احتیاجی نبود که آقای بنی صدر بگوید "بحث آزاد بگذارد، تا ما جرای انتخاب رجایی را فاش کنیم".

بهر حال اینکه جناب رجایی چگونه نخست وزیر شد و بدست چه کسی و چه نهادی به این مقام رسید، امروز دیگر از اهمیت درجه اول برخوردار نیست. ما فقط برای اینکه وارد بررسی "تاریخی" شده ایم به اینکار دست زدیم. آنچه که امروز از اهمیت درجه اول برخوردار است آنست که این مجلس و این دولت هنوز هستند و تاخت و تازشان هم شدت یافته است. و فکر میکنیم دیگر امروز آقای بنی صدر هم قبول داشته باشد که بنا بردعوا با حزب و با مجلس و گذاشت!

با انتخاب رجایی و سکیل دولت "مکتبی" (آنهم مدد مردم مکتبی)، "حوان" و "قاطع" سکری در قدرت سیاسی از جانب حزب فتح گردیده بود و راه برای رسیدن بسر منزل مقصود باز شده بود: راه استقرار استبداد و آزادی کشی، راه خیانت ملی و لکدمال ساختن استقلال! مجلس با ۱۵۳ رای، "رای اعتماد" به این راه سرا رفت و سنگ و خواری داده بود! این هم "کار" مثبت و "تاریخی" دیگری از مجلس!!

ادامه دارد

فاجعه زلزله کرمان  
را به ملت ایران تسلیت  
می گوئیم

زلزله در کرمان جان هزاران نفر از هم میهنان ما را گرفته و ضایعات بسیاری برآوردده است. بسیاری خانه ها ویران شده و آبا دیهای متعددی به مخروبه تبدیل گردیده است. اتحادیه کمونیستهای ایران خود را با اهالی کرمان و همه خانواده های داغدار در غم این مصیبت شریک میدانند و از همه هم میهنان دعوت میکنند که به یاری مردم آن سامان بنمایند. مصائب طبیعی از قبیل زلزله و سیل و... در کشور ما همواره بدلیل فقر و فلاکت نوده های ستم دیده و نا کواری وضعیت مسکن و بهداشت و کمک رسانی باعث قربانیان فراوان بسوده است. غارت کشور توسط امپریالیستها و حاکمیت مرتجعین مسال پرست و سود جو موجب اصلی این فقر و فلاکت و بنا بر این مقصر اصلی در بوجود آمدن این چنین ضایعات نا کواری بوده است. امروز هم سران حزب جمهوری اسلامی که هر روز چنگال خود را بیشتر از روز پیش بر مقدارت اهالی کشور فرو میکنند میسرات داران همان مرتجعینی مانند محمد رضای خاثن هستند که کشور را به تاراج بیگانه میدهند و از نظامی که فقر و مسکنت توده های مردم محصول آن است پاسداری میکنند.

آنها یقینا مانند رژیم محمد رضا شاه خواهند گوسید تا امروز بنام کمک به زلزله زدگان برای خود و جاهت کسب کنند اما مردم ما باید بدانند که اینان در واقع خودشان در بوجود آوردن این وضعیت مقصرند.

کمک به هم میهنان زلزله زده را با مبارزه با مرتجعین خودکارانه و وطن فروش بیوفته سده هم!

درباره توطئه علیه رئیس جمهور  
(اطلاعیه)

دیشب جمعه ۲۲ خرداد توسط جماعتی از چاقاران حزب - اللهی با سلاحهای کرم و سردبه منزل رئیس جمهور حمله شد و قصد داشتند که وی را ترور نمایند. بنی صدر رئیس جمهور کشور طی پیامی به مردم گفت که میخواهند به جان او سوء قصد کنند. مردم تهران! برای حمایت از رئیس جمهور و مقابله با جانباختن، که مثنی او باش خبیث و وابسته به حزب حاکم هستند، در اطراف منزل ایشان جمع شوید و ارتکبانی را خود بدست گیرید.

شنبه ۲۳ خرداد

اتحادیه کمونیستهای ایران

اخبار مبارزات مردم و...

جمهوری ساردا ده بودند بیرون میکشیدند. همچنین نیروهای استبداد در راه را بر ما شینهایی که در خیابان صدق رویه با لادر جرکت بودند بسته بودند تا هم بتوانند سارده تر سرکوب کنند و هم این که فاجعه چماقداری را مردم ما هده نگینند و نبینند که چگونه چماقداران افتضاحات مزدوران رضا شاه قلدر را در خیابانها تکرار میکنند.

# چرا مجله آمریکائی درست در جریان کودتای حزبی نقشه تجزیه ایران را چاپ می زند؟!

اینست آن " سناریو " . آیابین این " سناریو " با آن قرارداد تاریخی ۱۹۰۷ که ایران را به دو قسمت سن روسیه، تزاری و امپریالسنهای انگلیسی تقسیم میکرد، تساهبات و آفری دیده نمیشود؟ آیابین این " سناریو " و سناریو کودتا کرانه، حزبون و ناسیبههای نوکران ایرفسدرت روس، رابطه ای برقرار نیست؟ فراموش نکنیم که نحوه های سازش بین دو ابرقدرت سرسرخه کردن انقلاب ایران حندیست که شنیده می -

همانطور که خوانندگان عزیز ما اطلاع دارند، یک کودتای حزبی بر علیه آزادی و استقلال ایران در جریان است که برهبری دارودسته، نهمنس - آب نهمنس میرود و دسته های مشکوکي خون گروهامل دکتر حیران، گروه فداشان اسلام، فرماندهان ارثی در آن مبارکند و در اردواریسنیانی بی ناسیبه، نوکران ایرفسدرت روس - حزب بوده و فداشان (اکثریت) - نیز بر خور - داراست.

" حکا اندرسون روریا مدکار آمریکا ای اخرا گزارسی در مورد ایران مسیراسا حدود مدعی سداس که اسناد سوری در حیران تساهبات بحرمانه با آمریکا تساهبات مسئول و دارای منامهای حساس مسئله امکان بحر سبه خاک ایران سناطق سوری و آمریکا را مورد سب قرار داده است. " ( از رادوسکو - کیهان - ۱۹۵/۱۰/۱۶ )  
 و همین حدروزیسن از کودتا کزی حزب جمهوری اسلامی بود که سفیر اسق آمریکا در سوری، وجود چنین مذاکرات امپریالستی بین دو ابر قدرت را موردتائید و تائید مجدد قرار داد.  
 از این رو است که میگوئیم ملت ایران باید ناطعانه دست به اقدام بزند و این کودتای خاشنا نه را درهم بشکند و سران مرتجع و بیگانه پرست حزب جمهوری را به مجازات برساند!

در حقیقت موضوعی محله، آمریکایی سوزوبک به ارسنج ۸ روس ۱۹۸۱ ( ۱۸ خرداد ۱۳۶۰ ) ، سسده، سحا و سمرک آمریکا و سوری را سسوان تک " سناریو " ، سات سسرد. اسکا اسس سسده حنذر " سناریو " اس سساید. سسلا سسرحمه آن سوحسه بر ما سسده:

" سانسوحده سسوحسب سسپروسری عددی سسروه های روسی در منطقه، ایالات سسحده با سسراسا سس هسارهای اطلاع - سی عمل کسده و اسر سسخوا هسار خلسج فارس دساع کسده، ساسداسکا را اولسره در سسده سسده سسده، ... ساسراین در اولسین سسسه های آسادهکی سسوری برای مداخلسه، سسناکون ( وزارت سسک آمریکا ) ممکن اسس سناریوسی زسیرا به اسرا سسده ارد:

۱ - یک بریکا داسفنگکداران آمریکا سسسی در اوکسباوا ( در سسردکی زاس ) به سسطفه، اسفانوس هسند سسرساده سسوسدا سسده و کروه ما وهای هوا بسما سس آمریکا سسملحق سسود.

۲ - کسسی های آساده و سامل وسایل سسکی جزایر دساکوکا رسا ( در سسراسا سسوس هسند ) را به سسده خلسج فارس سسک سسکنند.

۳ - ایالات سسحده سسواسا را اسازه عربستان سسودی برای سساده کردن سسوردره هسرا ( در آسوسی خلسج فارس ) خوا هسکرسد. اسر سسله سسوری سسوری سسظر سسرسده، ایالات سسحده ممکن اسس سسصیم به یک سسله برای سسصرف حوزه های نفتی ایران بسکرسد.

۴ - سسنگداران دریا سس در سسندر عباس سسپساده می - سسوندتا سسکده هر مزر را در کسندرل در آورند.

۵ - سسروه های دریا سس آمریکا و اسر خلسج فارس سسده و سسنگداران دریا سس را در آسبادان سسپساده خوا هسندکرسد.

۶ - بریکا دهوا برده آمریکا که در عربستان سسودی سسقر سسده به آسبادان سسروا زساده سس سسوندتا فرودکسها را سسصرف کسند. کسسی های آساده به هسرا خوا هسندرفس سس به بریکا ده های سسنگداران آمریکا سس که اسزکا لسفر سسسا سسروا زساده سسده سسملحق سسوند.

۷ - سسکنده های آمریکا سس علیه کسدرکا هسهای سساکرس و اسد عمل سس سسوندتا اسسپسروی سسروه های سسوری سسولوسری کسند. سسروه های آمریکا سس سسوسله، سسها سسنی که اس ایالات سسحده اسر سسریق و اسد سس سسوند سسقویس خوا هسند سسده....."

## کسکهای مالی در یافت سسده

شهر	کد	مبلغ	نام
تهران	۸۸	۱۱۵۰۰	الف - م
"	۸۸	۲۰۰۰	الف - م
"	۸۸	۵۰۰	س - م
"	۸۸	۵۰۰	س - م
"	۸۸	۸۰۰۰	ن - ع
سنندج	۵۵	۳۰۰۰	آ - محمد
"		۱۵۰۰	پ - مادر سسکی زرفقای شهید
محمودآباد		۳۰۰۰	الف - پ
آسبیل		۵۰۰	ش - ج
"	۲۵	۱۰۰۰	الف - ع
"	۱۶	۱۵۰۰	الف - س
کسبده		۴۰۰۰	ط - ر
سندرترکمن		۵۰۰	ر - آه
اسفهان		۵۰۰	رفیق مادر - ز
"	۱۰	۵۰۰	ن - ج
"		۵۰۰۰	سدیقه - ق
"		۴۰۰۰	سلاج - رفقای - و
تهران		۷۵۰۰	بهرام - خ
قزوسن		۵۰۰۰	و - ج
"		۲۰۰۰	ج - م
"		۲۰۰	م - ی
"		۲۰۰۰	م - ی
"		۱۵۰۰	م - ی
"		۱۵۰۰	م - ر

رفقا و دوستان عزیز بسطت فسردگی مطالب و کسبده سسرفسا بخشی از کسک های مالی در یافت سسده را درج سسوده ایم و اسسده واریم که سسدریج موفق به درج تمام آنها سسوم . سسشریه

## دعوت گروهی از شخصیت‌های مبارز جهت مراجعه به آراء عمومی

سسام خدا

هم میهنان عزیز، مردم انقلابی ایران  
احکامات سس مسئولین مملکت و همچنین تننج حاکم برفضای  
سیاسی کشور به جایی رسیده که اکنون دیگر حادثترین مسائل  
جامعه را تحت الشعاع خود قرار داده است. قریب به یکسال  
است که حضرت امام به صورت مختلف گاه به ترمی و گاه به تنگدی  
سران مملکت را دعوت به کناره‌گذاشتن از اختلافات کرده اند که در  
طول این مدت نصایح ایسان کوچکترین اثری در حل و کویری از  
روند او کویری این رودرروئی‌ها نداشته و حتی بیابیه ۱۰ ماده -  
ای و هیئت سه ترمی حل اختلاف نیز با مع از گسترش این اختلافات  
سوده است.

به نظر ما این اختلافات ریشه در مسائل موجود در جامعه دارد  
و نتیجه عملکرد حزبی است که در طول دو سال و اندی که از سپروزی  
انقلاب میگذرد بیا هروسبله‌ای تمامی اهرمهای قدرت را بیه  
اسحا ر خود در آورده و در اینکار تا آنجا پیش رفته است که با تحت  
تعوذ قرار دادن مجلس و قوای قضائیه و مجریه و حتی هیئت سه  
ترمی نمود دارد که با حذف اولین رئیس جمهور منتخب مردم این  
آخرین سنگر را نیز تسخیر کنند.

علیهذا اکنون که برای اداره مملکت از شیوه‌های رانسج  
و معمول در کشورهای جهان از قبیل رفرا ندوم و انتخابات  
مجلس موسسان و مجلس نورا و ریاست جمهوری و غیره استفاده  
سده است، بنهار راه خروج از این بن بسا این است که مردم خود  
"که میران رای آنهاست" برای ریسکه کن کردن اختلاف و حبل  
بحران خطرناک فعلی بسیت به سرنوشت خویش اظهار نظر کنند،  
هما سگونه که در همان کسورها اگر کار اختلاف ارکانهای مملکت  
به حالسی سبیه به وضع کنونی برسد مسئله با رفرا ندوم و مراجعه  
به آراء عمومی حل میشود.

ما از همه هم میهنان عزیز و کلیه گروهها و سازمانهای  
انقلابی و شخصیت‌های ملی و مبارز و متعهد و مسلمان میخواهیم  
که به انحاء مختلف موافقت خود را با مراجعه به آراء عمومی برای  
تعیین تکلیف مملکت اعلام نمایند. ۶۰/۲/۱۶

طا هرا حمدزاده (مشهد) - (آیت الله)  
محمدتقی عالمی (همدان) - بتول علائی  
(همسر آیت الله طالقانی) - (حجست -  
الاسلام) امیرمجدد حاج محمدشاه نجفی -  
دکتر محمدملکی - احمدعلی بابائی - کاظم متحدین -  
کاظم متحدین - مهندس حسین حریرری -  
دکتر پوران شریعت رضوی (شریعتی) -  
مهندس یزدان حاج حمزه - (حجت الاسلام)  
جلال گنجهای - مهندس محمدآقبا سسال -  
محمدرضا اسلامی - ابوذرورداسبی -  
مهندس نصرالله اسمعیل  
زاده - حسین مفتاح - علی اصغر هتاجی  
عبدالعلی معصومی - سیدحسین حسینی -  
مجید شریف.

## تحریم نشریات حکومتی توسط گروهی از شخصیت‌های مبارز و اعتراض به توقیف نشریات

مردم قهرمان ایران!

بدنبال هجوم‌های بی‌دری به نشریات انقلابی و ممنوع  
الانتشار کردن آنها از ناحیه جناح انحصار طلب حاکم، سالاحرده  
دیروز و در روزنامه کسیرا لانتشار صبح و عصر (میزان و انقلاب -  
می) و چند روزنامه و نشریه دیگر توقیف شدند، تا زمینه‌های  
حذف رئیس جمهوری که مقدمات آنرا بتدریج فراهم آورده‌امی  
آورند بدون مقاومت و اعتراض عمومی آماده گردد. این رویداد  
و همچنین گردآوری جماع بدستان در مقابل در ورودی و نشر  
فحش و شعارهای زنده به باره‌ای از نمایندگان تا آنجا که آنها  
رسماً به رئیس مجلس سکا بت برسد، ما را بسیار ناگواران رسا  
خان انگلیسی میباشند که او با و ارادل راحلوی مجلس جمع  
میگردتا به نمایندگان مخالف آن دوره سخن بدهند، و مدسیران  
و نویسندگان جرات‌دار به تلاق مسیت و توقیف و سرور مسکرد، و س  
آنچه شد، که تمدید قرار داد نفداری سکی از آنها بود، زیرا که  
دیگر قلم و زبانی باقی نمانده بود که جلوا این حیانتها را بکند.  
ما همدار می‌دهیم که این اعمال - نه چندان دیر - کسور را  
دچار استبدادی بمراتب شدیدتر از استبداد رژیم سفاک گذشته  
خواهد کرد و جناح حاکم با تعطیل این نشریات میهن عزیزمان  
را - بدون اینکه هیچگونه زمینه‌های اعتراض و انتقادی ساسد - مآلا  
یسوی وابستگی هر چه بیشتر به جانب سوق خواهد داد.

ما ضمن تحریم کلیه نشریات وابسته به حزب حاکم و دولت  
از مردم قهرمان میخواهیم که به یاسداری ارخون هرا ران شهید  
انقلاب خونبارمان (خاصه در این لحظات سرنوشت ساز که فرزندان  
عزیزمان در دفاع از میهن به فداکاریهای عظیم دست میزنند)  
همچنان که رئیس جمهور مملکت گفته اند در مقابل این زورگوشی  
ها استقامت و مقاومت نمایند.

۱۳۶۰/۱۸ خرداد

طا هرا حمدزاده (مشهد) - (آیت الله) محمدتقی عالمی  
(همدان) - بتول علائی (همسر آیت الله طالقانی) -  
(حجت الاسلام) امیرمجدد حاج محمدشاه نجفی - دکتر  
محمدملکی - احمدعلی بابائی - کاظم متحدین - دکتر  
پوران شریعت رضوی (شریعتی) - مهندس یزدان حاج  
حمزه - دکتر حبیب الله دوران (رشت) - (حجت الاسلام)  
جلال گنجهای - مهندس محمدآقبا سسال - ابوذرورداسبی -  
محمدرضا اسلامی - مهندس نصرالله اسمعیل زاده - حسین  
مفتاح - علی اصغر هتاجی - عبدالعلی معصومی - سید  
حسین حسینی - مجید شریف.

سرمقاله ...	پایه از	پیمائی و سرانجام قیام بر
برای دفاع از آزادی و استقلال کمر همت بست، دوباره باید اعتمادیات عظیم سراسری را سازمان داد و کمیته‌های اعتماد را بوجود آورد، و بلکه همه مردم را به اعتماد و نظاهرات و راه -	۳۸۵	علیه دشمنان جمهوری و امضاء کنندگان قراردهای ضدملی فراخوانند.
طبقه‌ها را رگربرای اشیات حاکمیت مردم و شوده‌نی به لفاظان و خیانتکاران باید قدم به پیش گذارد!		

# بازدید شهید زنده از دانشگاه!

گوید: "به من توهین میکنی؟ میدانی من کی ام؟ من امروز معاون دانشگاهم... من دکترای روانشناسی دارم. تو باید از من عذرخواهی با همین امروز زکارت استعفا بدهی و با تسو را به بیمارستان روانی منتقل میکنم!" بدیهی است تعریفه فحشا که کمپوب خوردن سه زن و یک مردنا محرم باشد، طبیعا مجازات مناسب آن و یا هر سرکشی دیگریم به تشخیص معاون مکتبی و مدعی دکترای روانشناسی کودکان عقب افتاده همانا اعزام مجرمین به بیمارستان روانی خواهد بود!

(به نقل از بولتن دانشگاه تهران - کانون مستقل اساتدان دانشگاه تهران - اردیبهشت ۱۳۴۰)

این است نسخه "انقلاب فرهنگی" کذابی و مکتبی. آن وحسری ترو و سلبی که در کانونهای علوم و فرهنگ را مهر و موم کرم. طبیعی است که آدمهای ابله، روانی و بی جسم و رویی که به نامش و شرف مردم این چنین توهین میکنند، از درون این "انقلاب" کذابی بیرون بیایند.

آقای افروز که اخیرا حکم انتماب خود را به معاونت اداری و مالی دانشگاه تهران، ظاهرا در ارتباط با بازگشت سلامت ایمان ارواحه، اشغال سعادت ایران در لندن، رسما با عنوان "شهید زنده" دریافت دستاورد اولین اقدام انقلابی ایمان پس از انتماب جدا کردن آنها فهای کارمندان زن و مرد در دبیر خانه، و ایجاد محیط رعب و اخلاق در این محل در مقیاس جدید را زقبل بوده است، اخرا دست به ما زد بعد از داسکده های مختلف بحث فیومت خوش زده انتماب... ..

## مؤسسه تحقیقات بین المللی بیوفیزیک و شیمی

تکمه، قابل ذکر در این باره در فرمایشات آقای افروز در باره، دستکاهای سردخانه، این مرکز مجهز به تصفای اسید. آراس دستکاهها که تا نسبت احما دما ۷۰ درجه بر مفرز را دارند برای نگهداری پروتئین اسفاده مسود. آقای افروز با مشاهده این فریزرها (سردکن ها) اظهار می کنند که چه بهر با نزدیک بودن فصل تابستان از این "بخال" ها برای تهیه، بستنی برای مستضعفین بنحوا حسن استفاد ک... ..

## دانشکده بهداشت

در روز چهارشنبه ۶۰/۲/۹ آقای افروز از دانشکده، بهداشت باردید بعمل میآورد. اسندا ایمان با حالت تهاجی به آیدار. خانه دانشکده وارد می شدند. در اینجا ۳ نفر از خانمهای کارمند دانشکده که برای چند دقیقه استراحت در وقت نماز به آنجا آمده بودند مسعول خوردن کمپوت سودا اندومستخدم مرد گروه که جوان بسیار محبوب و مودبی است نیز حضور داشته است. آقای افروز با داد و فریاد مستخدم را بیرون کنبده و با لحنی بسیار توهین آمیز میگوید:

"مرد که خجالت نمی کسی با سه زن نامحرم در ساعت کار اداری مشغول خوردن کمپوت هستی!!" یکی از خانمهای کارمند که به اعصاب خود مسلط تر بوده است بر خلاف سایرین که از وضعیت فوق مبهوت و هاج و واج شده و قسار در به صحبت کردن نبوده اند میگوید ما عمل خلافی انجام نداده ایم که برای چند لحظه استراحت و خوردن جای به اینجا آمده ایم و مستخدم دانشکده نیز مثل برادر ما است. آقای افروز مجددا با فریاد میگوید "تو میدانی که به شوهرت خیانت کرده ای که با مرد نامحرم نشسته ای" خانم کارمند میگوید من اصلا ازدواج نکرده ام. آقای افروز میفرماید "خوب به شوهر آینه دات خیانت کرده ای". سپس به فرمایشات خود ادامه میدهد که: "بیخود نیست که میگویند این دانشکده... .. خانم است." خانم منشی گروه که در اتاق خود در آنسوی گریدور متوجه سروصدای غیرعادی شده و برای اطلاع از وضع از اتاق خود بیرون آمده بود شاهد این صحنه میشود و با شنیدن جملات موهن معاون مکتبی "دانشگاه در یک محیط علمی برآشفته شده بدخل اتاق خود میریزد و در راه می بندد. ساکها ن شهید زنده فریاد زنان در اتاق او را باز کرده می

## حمله اوپاش به خانه رئیس جمهور

ساعت ۸ شب جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۴۰، عده ای اوپاش و ارادل که چند روز است چون راهزنان در خیابانهای تهران رزه میروند، و بر خود نام "حزب الله" گذارده اند، بخانه دکتر ابوالحسن بنی صدر، ریاست جمهوری، حمله میبرند، برخی از مردم تهران که از این شیخون حزبی آگاه شده بودند، به طرف خانه رئیس جمهوری روند و این دا رودسته، رذل را فراری میدهند.

حمله، این مواجیب بکیران استبداد زبر پرده دین به خانه، رئیس جمهور، حلقه، دیگریست از زنجیره، کودتای حزبی که با مقاومت مردم، شکست خورده و سرفاکنده فرار را برقرار ترجیح دادند. این حمله، یورش ارادل و فواحش شعبان بی مخ را به خانه دکتر مصدق و تاراج آن بدست آنها در کودتای ۲۸ مرداد را به خاطر میآورد.

این دا رودسته های اوپاش که با می غلط اندازی چون تیب ۱۲ و تیب ۷ و تیب ۲۲ و تیب های شماره دار دیگر حزب الله را بیدک میکنند، مواجیب بکیران دا رودسته، کودتای حزبی جمهوری اسلامی هستند، که دقیقا نقش دسته های اوپاش و ارادل شعبان بی مخ جعفری را در کودتای ۲۸ مرداد بازی میکنند. این مواجیب بکیران فروما به ودون مفت که چون سگهای هار به مردم و اجتماعاتشان حمله می برند و با مصلح میخوانند در دل مردم "رعب" و "وحشت" بینداند. زند، عده ای بزدل و ترسو هستند که با اولین حمله، مردم، با اولین مقاومت مردم و ایستادگی شان، تمام "ابهت" شان بخاز شده و بسوا خواهد رفت. این دا رودسته های ارادل و اوپاش با مقاومت مردم از میان خواهند رفت و با دید برونند! در مقابل این چاقو کشان و زنجیریان حزب جمهوری با بدمقاومت کسردو گوشمالی درخور حالشان بدانند!